

Examining the effects of jurisprudential rules governing the realization of resistance economy

Abstract

A subject called economy and especially economics has been with him since the beginning of human life. Human economic behavior is rooted in his needs. With the passage of time, the increase in population, the limitation of resources, as well as with the increase and variety of needs in the process of global changes and the development of human civilization, the issue of economy and provision of livelihood and increasing human needs has constantly changed and become more complicated. In terms of importance, the issue of economy has been interpreted in different schools with different views based on their worldviews. This issue has become the goal of individual and social life in material schools. So that they pursue everything for the economy and livelihood and material and worldly well-being. In the history of the evolution of economics, different schools of these views have emerged to explain human economic behavior, and after some time, they have been removed or marginalized with the emergence of newer schools of thought. With monotheistic view, the world has a single and harmonious system. This system has subcategories, "economic system" is one of these subcategories. In this article, economic system means a system that, by applying legal rules in the field of resistance economy, in connection with other systems and using economic tools, is responsible for providing, distributing and consuming the needs of the society.

Keywords: economy, resistance economy, legal rules, resistance

بررسی آثار قواعد فقهی حاکم بر تحقق اقتصاد مقاومتی

محمد رضا حقیقی^۱فرج الله براتی^۲سید حسام الدین حسینی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۲۰

چکیده

موضوعی به نام اقتصاد و به ویژه علم اقتصاد از آغاز زندگی بشر با او همراه بوده است. رفتارهای اقتصادی انسان ریشه در نیازهای او دارد. با گذشت زمان، افزایش جمعیت، محدودیت منابع و نیز با افزایش و تنوع نیازها در فرایند تحولات جهانی و توسعه تمدن بشری، مسئله اقتصاد و تأمین معاش و نیازمندی‌های رو به تزاید انسان دائماً متحول و پیچیده تر شده است. به لحاظ اهمیت، مسئله اقتصاد در مکاتب مختلف با دیدگاه‌های متفاوت مبتنی بر جهان‌بینی‌های آنها تفسیرهای متعددی شده است. این موضوع در مکاتب مادی به هدف زندگی فردی و اجتماعی تبدیل شده است. به طوری که همه چیز را برای اقتصاد و تأمین معاش و رفاه مادی و دنیوی پیگیری می‌کنند. در تاریخ تکامل علم اقتصاد مکاتب مختلفی از این نگرش‌ها برای تبیین رفتارهای اقتصادی بشر ظهور یافته‌اند و پس از مدتی با پیدایش دیدگاه‌های مکاتب جدیدتر حذف و یا به حاشیه رفته‌اند. با نگاه توحیدی عالم دارای یک نظام واحد و هماهنگ است. این نظام زیرمجموعه‌هایی دارد «نظام اقتصادی» یکی از این زیرمجموعه‌هاست. در این مقاله منظور از نظام اقتصادی، نظامی است که با به‌کارگیری قواعد فقهی در زمینه اقتصاد مقاومتی، در ارتباط با سایر نظام‌ها و استفاده از ابزارهای اقتصادی وظیفه تأمین، توزیع و مصرف نیازهای جامعه را برعهده دارد.

کلیدواژه: اقتصاد، اقتصاد مقاومتی، قواعد فقهی، مقاومت.

^۱ دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.^۲ استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول).^۳ استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

مقاومت، عمل یا عکس‌العمل مناسب مقابله در شرایط بروز نامالایمات و حوادث و بحران و یا تحمل سختی‌ها و استقامت در مسیر رسیدن به اهداف است. اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که در شرایط بروز نامالایمات و حوادث و بحران‌ها و یا در مسیر اهداف، پویا و پایدار تخصیص بهینه منابع بدهد. اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، تحریم، دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده رشد و شکوفایی کشور باشد (آیت‌ا... خامنه‌ای، ۱۳۹۱). اقتصاد مقاومتی الگویی از اقتصاد است که با شرایط کشور ما که مبتنی بر فرهنگ و گفتمان دینی و الهی است تطابق دارد، چرا که قوانین اسلام ظرفیت ایدئولوژی و اجرایی خوی برای تحقق اقتصاد مقاومتی دارند؛ از سویی اقتصاد مقاومتی به مثابه الزام و ضرورتی در راستای بقای نظام، جهت دستیابی به عدالت، پیشرفت و تحقق آرمان‌های نظام به‌ویژه اهداف قانون اساسی و سند چشم‌انداز به‌عنوان اسناد بالادستی و قانون کشور می‌باشد. لذا نظام اسلامی وظیفه دارد در این راستا شرایط لازم را جهت تحقق این آرمان‌ها و اهداف مهیا نماید. (بهرامیان، ۱۳۹۴، ص ۲۱). اگرچه واژه اقتصاد مقاومتی اصطلاح جدید و دارای یک بار ارزشی در فرهنگ دینی است، لیکن مفاهیم در این زمینه و اعمال و اقداماتی برای مقاومت در حوزه‌های گوناگون به‌ویژه در حوزه اقتصاد در دنیا بی‌سابقه نیست. در ادبیات اقتصادی مفاهیمی مثل «اقتصاد مقاومت» و یا «قدرت اقتصادی»، فراوان وجود دارد. از طرفی هم تمام کشورهای که به نوعی جنگ و یا بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را تجربه کرده‌اند و یا برای توسعه سریع اقدام کرده‌اند، برای عبور از شرایط سخت، اقتصاد خود را بر مبنای مقاومت برنامه‌ریزی کرده‌اند. برنامه‌ریزی اقتصادی دوران جنگ آلمان، روسیه، انگلستان، ژاپن و... در دوران جنگ‌های جهانی اول و دوم اقتصادهای مقاومتی بوده است. در دوران جنگ تحمیلی هشت ساله عراق بر علیه جمهوری اسلامی ایران، با تمام اشکالات موجود و عدم درگیری کل توانمندی‌های اقتصادی و غیراقتصادی، اولویت‌بندی‌های برنامه‌های اقتصادی جمهوری اسلامی برای مقاومت تنظیم می‌شد. (اسدی، ۱۳۹۳، ص ۲۷).

بنابراین تفاوت اقتصاد مقاومتی در کشورهای مختلف در تفاوت شکل مقاومت در مکتب‌ها و فرهنگ‌ها و تفاوت اهداف آنهاست. اقتصاد مادی‌نگر فقط با ابزارهای اقتصادی و تدابیری نظیر تغییر اولویت‌های اقتصادی برنامه مقاومت را طراحی می‌کند. در مکاتب الهی و توحیدی در کنار استفاده از ابزارهای علمی برنامه‌ریزی اقتصادی، استفاده از ظرفیت‌های اعتقادی و ارزشی، نواقص برنامه‌ریزی‌های تخصصی را پوشش می‌دهند.

کتاب اقتصادی

مکتب، مجموعه اندیشه‌ها و افکاری است که جمعی از آن پیروی می‌کنند (لطفعلی‌پور، ۱۳۸۳، ص ۹۳). مکتب اقتصادی یک رشته افکار مبتنی بر روش معین در باب جنبه‌های اساسی رفتار اقتصادی است. مثلاً مکتب کلاسیک، مکتب شیکاگو و... مکتب اقتصادی مجموعه‌ای از قوانین و مقررات و بایدها و نبایدهای اقتصاد را معین می‌کند. مکتب اقتصادی، شامل فلسفه اقتصادی، اخلاق اقتصادی، سیاست اقتصادی، فقه اقتصادی، فرهنگ اقتصادی و... در نظام اقتصادی اسلام است. هر کدام از این عناصر در جای خود و همه آنها به‌عنوان یک مجموعه، مکتب اقتصادی را تشکیل می‌دهند. موضوعاتی مانند حلال و حرام که از فقه اقتصادی است و یا سیاست‌های اقتصادی (حتی گاهی سیاست‌هایی مثل سیاست‌های پولی و مالی) منبعث و برگرفته از مکتب اقتصادی هستند (حکیمی، ۱۳۸۰).

با ترکیب سه عنصر «علم اقتصاد»، «مکتب اقتصادی» و «نهادهای اقتصادی- اجتماعی»، «اقتصاد ملی» که به نوعی در یک نظام اسلامی همان «نظام اقتصاد اسلامی» است، شکل می‌گیرد. اقتصاد اسلامی در قالب یک «حکومت اسلامی» تحقق می‌یابد. در واقع اقتصاد اسلامی با استفاده از ابزارهای علم اقتصاد و نهادها، در خدمت مکتب یا همان اهداف نظام اسلامی است. علم اقتصاد و مکتب اقتصادی و نهادهای اقتصادی بر هم اثر متقابل دارند. کشف‌ها و نوآوری‌های علمی در نظریه‌های مکاتب پویا اثر می‌گذارند. از طرفی هم دیدگاه‌های مکتبی بنیان‌های فکری را متأثر می‌سازند و این امر در دیدگاه‌های علمی اثر می‌گذارد. نهادهای اجتماعی از هر دو اثر می‌پذیرند و بر آنها اثر می‌گذارند. علم اقتصاد قانون‌مندی رفتار انسان را استخراج و تبیین می‌کند. (و یا رفتار را قانون‌مند می‌کند). دین (به‌عنوان یک نهاد اجتماعی) رفتار را می‌سازد و یا تغییر می‌دهد. اگر رفتار انسان تغییر کند، مسیر و جهت علم اقتصاد تغییر می‌کند. اگر رفتارهای اقتصادی انسان‌ها به‌ویژه تحت تأثیر مکتب یا فرهنگی تغییر کند علم اقتصاد بدون تعصب آن رفتار را تئوریزه خواهد کرد. بنابراین مادامی که رفتارهای اقتصادی افراد و جوامع هم‌سان است علم اقتصاد کاربردی یکسان و تفسیری مشابه خواهد داشت. اگر تحت تأثیر و هدایت یک مکتب و فرهنگی رفتارها تغییر یابند. مطمئناً جهان علم این رفتارها را تئوریزه کرده و علمی می‌نامند.

مسئولیت بایدها و نبایدها در یک نظام اقتصادی با صاحب‌نظران در حوزه مکتب اقتصادی است. مسئولیت هست‌ها و نیست‌ها و مسئولیت اگر- آنگاه در حوزه علم اقتصاد و متخصصین و عالمان آن است. مسئولیت نظام اقتصادی (اقتصاد ملی یا همان اقتصاد اسلامی در نظام اسلامی) و اداره اقتصاد جامعه برعهده حاکمیت است. قانون‌گذار و مجری در نظام اقتصادی براساس نسخه‌ها و مجوزهای این دو حوزه عمل می‌کنند. بخش قضا هم نظارت می‌کند. اگر علم اقتصاد (یا عالمان اقتصادی) درست عمل نکند، ویژگی‌ها و شرایط خاص جامعه را در نظر نگیرد، متغیرها و عوامل را به‌درستی تشخیص ندهد. این یک نقص در نظام اقتصادی است. اگر فهم درست از مکتب نشود، بایدها و نبایدها به‌درستی اعمال نشود، پای دیگر نظام اقتصادی لنگ است. به هر حال مسئولیت اداره اقتصاد، معیشت، رفاه و توسعه و... در جامعه برعهده نظام اقتصادی است. حال اگر نظام اقتصادی به‌درستی عمل نکند. نه مکتب مقصر است و نه بر علم و دانشگاه می‌توان خرده گرفت. چرا که از این‌ها خوب استفاده نشده است و یا ساختارنهادهای نظام اقتصادی مناسب نبوده‌اند. مثلاً در شرایط بحران گاهی مکانیسم بازار بسیار ضعیف می‌شود و نقش دولت به‌عنوان یک نهاد مؤثر اهمیت می‌یابد که باید به کمک ساز و کارهای اقتصادی بیاید و نه خودش جای آنها را بگیرد. در این‌جا مناسب است به موضوعی که بعضاً مطرح می‌شود اشاره کنیم و آن این‌که آیا علم اقتصاد و مکتب اقتصادی در تعارض‌اند؟ در پاسخ به این مطلب باید گفت که اسلام دین علم و معرفت است. چه علم دین و چه علوم متعارف که به‌عنوان ابزار می‌توانند در خدمت اهداف و آرمان‌های دینی باشند. هیچ عاقلی با علم منطقی و متعارف (که حداقل به‌وسیله دین امضا شده باشد) مخالفت نمی‌کند. هیچ علم و عالمی هم مستقل از ارزش‌ها و فرهنگ و فلسفه و... در یک کلام مکتب نیست (حسین هرندی، ۱۳۹۲).

پس چرا تعارض وجود دارد و یا احساس می‌شود؟ تعارض از کج‌فهمی و خلط مطالب است. انتظار از مکتب و انتظار از علم مخلوط می‌شود. ادبیات اقتصادی و به‌خصوص مطالعاتی که در زمینه اقتصاد اسلامی شده است مملو

از این خطاهای اساسی است. عده‌ای بدون استدلال و منطق درست فقط علم و به‌ویژه علم اقتصاد متعارف موجود را مورد حمله قرار می‌دهند. این‌ها بعضاً نه علم اقتصاد را درست فهمیده‌اند و نه در دین ریشه‌یابی درستی دارند. عده‌ای دیگر افراد عالم‌اند که صادقانه و عالمانه نقد می‌کنند و با غور در متون و منابع اسلامی، مفاهیم را ریشه‌یابی و در واقع دستورات و قواعد دینی را استخراج و ارائه می‌کنند که این کار بسیار شده است. یافته‌های این نوع از تحقیقات در حوزه مکتب اقتصادی اسلام است. در حیطه فلسفه اقتصاد دینی است. در جامعه علمی هم متأسفانه گاهی گرفتاری به این خطا مشاهده می‌شود. اخلاق، فلسفه، فقه، فرهنگ، حقوق و... را به‌جای علم اقتصاد ارائه می‌کنند. از طرفی هم از علم اقتصاد هم نمی‌توان انتظار خارج از قلمرو آن داشت. چنان‌که قبلاً اشاره شد از علم اقتصاد هم نباید انتظار علت‌غایی و فلسفه‌ای برای هستی داشت (خوانساری، ۱۳۶۶).

اقتصاد مقاومتی راهبردی است که به اذعان کارشناسان مختلف اقتصادی، کم‌تر کشوری را در جهان می‌توان یافت عملاً به آن پایبند نباشد. معنای اقتصاد مقاومتی به زبان ساده یعنی حمایت از تولید و کار داخل و کمک به آن تا در رقابت با سایر تولیدات مشابه خارجی، بهترین باشد. حتی کشورهایی که ادعای اعتقاد به اصول سرمایه‌داری دارند نیز با راهکارهای گوناگون به پیشرفت تولیدات ملی خود کمک می‌کنند. یکی از ظرفیت‌های منحصر به فرد نظام جمهوری اسلامی که کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است، نقش فقه و حقوق و جایگاه اقتصاد اسلامی در تحقق اقتصاد مقاومتی است. در دین اسلام مباحث مختلفی مطرح می‌شود که یکی از مهم‌ترین راهبردهای اساسی آن، مسائل اقتصادی است که جایگاه ویژه‌ای در بین موضوعات دارد و نشان دهنده اهمیت دادن دین اسلام به کار و کسب و تأمین درآمدهای حلال اقتصادی است. کار و تلاش در جهت آبادانی و پیشرفت جامعه، در رفتار احاد جامعه تجلی پیدا می‌کند و این نکته از منظر دین شکل دهنده نظام اقتصادی جامعه دینی است. اقتصاد از ستون‌های مهم توسعه در یک جامعه است که می‌تواند زمینه را برای رشد و پیشرفت در سایر حوزه‌ها فراهم نماید و موجب بهبود وضعیت جامعه گردد. نظام اسلامی با تکیه بر ارزش‌های دینی تشکیل شده است و به دنبال اقامه ارزش‌های الهی و اسلامی در جامعه است و لذا بر این اساس، باید دارای اقتصاد مقاومی باشد تا در رویارویی با مشکلات دچار تلاطم نشود و متزلزل نگردد. (فرهادی، ۱۳۹۶، ص ۳۲).

شهید مطهری درباره تسلط و نفوذ غیرمسلمان بر مسلمان می‌نویسد: اسلام می‌خواهد که غیرمسلمان بر مسلمان تسلط و نفوذ نداشته باشد. این هدف هنگامی میسر است که ملت مسلمان در اقتصاد نیازمند نباشد و دستش به طرف غیرمسلمان دراز نباشد، و الا نیازمندی ملازم است با اسارت و بردگی، ولو آن‌که اسم بردگی در کار نباشد. هر ملتی که از لحاظ اقتصاد دستش به طرف ملت دیگر دراز باشد، اسیر و برده او ست و اعتباری به تعارف‌های دیپلماتی معمولی نیست. به قول نهر، ملتی مستقل است که جهش اقتصادی داشته باشد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «احتج الی من شئت تکن اسیره، استغن عن من شئت تکن نظیره، احسن الی من شئت تکن امیره.» (الآمدی التمیمی، ۱۳۶۰، ص ۵۸۴).

محتاج هرکه شوی، اسیر او خواهی بود. بی‌نیاز از هرکه گردی، با او برابر خواهی شد و هرکه را مورد نیکی و احسان خود قرار دهی، فرمانروای او خواهی شد. اگر ملتی کمک خواست و ملتی دیگر کمک داد، خواه ناخواه اولی برده و دومی آقا است. چقدر جهالت و حماقت است که آدمی ارزش سلامت بنیه اقتصادی را در نیابد و نفهمد اقتصاد مستقل یکی از شرایط حیات ملی است (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۲۱-۲۲). براساس آیات قرآنی، داشتن اقتصاد مقاومتی همانند اقتصاد قوام‌بخش، ضروری و لازم جامعه اسلامی است. جامعه اسلامی نه تنها باید دارای اقتصادی سالم و شکوفا و قوام‌بخش باشد، بلکه باید دارای اقتصاد مقاومتی باشد که آن را از دشمنان حفظ کرده و اجازه ندهد تا جامعه در برابر دشمنان خوار شود. قرآن بر ضرورت اقتصاد مقاومتی به اشکال گوناگون تأکید کرده است. از جمله مهم‌ترین آیاتی که می‌تواند این وجوب و ضرورت را بیان کند، آیه ۲۸ سوره توبه است. خداوند در این آیه نه تنها نیازمندی اقتصادی جامعه اسلامی را عامل وابستگی جامعه و ذلت و خواری آن می‌داند، بلکه قطع وابستگی اقتصادی به بیگانگان را مورد تشویق قرار داده و نسبت به کسانی که نگران اختلال نظام اقتصادی خود

پس از قطع رابطه با مشرکان و دشمنان هستند، یادآور می‌شود که چنین امری نه تنها اختلالی به وجود نمی‌آورد، بلکه باعث رونق اقتصادی و شکوفایی آن شده و رشد و پیشرفت اقتصاد ملی را سبب خواهد شد. از آیه ۲۸ سوره توبه این اصل استفاده می‌شود که یکی از راه‌های رسیدن به خودکفایی، عدم وابستگی اقتصادی به بیگانگان و تکیه بر محصولات داخلی است. خداوند می‌فرماید که اگر جامعه اسلامی از وابستگی اقتصادی به بیگانگان به‌ویژه دشمنان رها شود و به تولیدات و محصولات داخلی تکیه کند، خداوند به فضل خویش جامعه اسلامی را به حدی از خودکفایی و استقلال اقتصادی می‌رساند که هیچ نیازی به بیگانه و تولیدات بیگانگان نداشته باشد و سربار دیگران نشود. خداوند می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا انما المشرکون نجس فلا یقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا و ان خفتهم علیه فسوف یغنیکم الله من فضله ان شاء ان الله علیم حکیم: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، حقیقت این است که مشرکان ناپاک‌اند، پس نباید از سال آینده به مسجدالحرام نزدیک شوند و اگر در این قطع رابطه از فقر بیم‌ناکید، به‌زودی خدا (اگر بخواهد) شما را با فضل خویش بی‌نیاز می‌گرداند، که خدا دانای حکیم است». وقتی به این آیه نگاه می‌شود، نگرانی برخی از دولت‌مردان امروز معنای جالبی می‌یابد. در حقیقت برخی از دولت‌مردان امروز نگران آن هستند که عدم آمد و شد غربی‌ها، که دشمنان قسم‌خورده کشور هستند، می‌تواند موجب فقر اقتصادی جامعه اسلامی شود و مردم از نظر اقتصادی با مشکل مواجه شوند. درحالی‌که آیه شریفه می‌فرماید پیش از آن‌که دشمنان شما تهدید به تحریم کنند یا شما را تحریم نمایند، شما پیشگام شوید و آنان را تحریم کنید تا با خوداتکایی و توکل به خداوند از فضل الهی بهره‌مند شوید. بی‌گمان خداوند به همه ریز و درشت زندگی شما عالم است و حکیمانه و خردمندانه حکم می‌کند و به شما دستور می‌دهد و این‌گونه هدف‌های متعالی شما، که همان غنای اقتصادی و استقلال است، فراهم می‌آید.

در نهج‌البلاغه، حکمت ۳۹۵ «من لم یصبر علی کده صبر علی الافلاس: هرکس بر رنج کسب و کار صبر نکند، باید رنج فقر و نداری را تحمل کند». این آیه و روایت باید سرلوحه اقتصاد مقاومتی باشد. در قرآن و حدیث عبارات زیادی در مورد جهاد اقتصادی داریم که در آنها مسئله عزت اسلام و مسلمانان موضوع محوری است. عزت از منظر قرآن کریم به معنای شکست‌ناپذیری است و ملت عزیز، ملتی است که مقاومت و پایداری کرده و فشارها را تحمل می‌کند تا به سربلندی دست یابد. قرآن کریم در آیه ۱۴۱ سوره نساء، مسلمانان را از زمینه‌سازی برای تسلط کافران بر آنان نهی کرده و می‌فرماید: «لن یجعل الله للکافرین علی المومنین سبیلا: خداوند هرگز برای کافران نسبت به مومنان راه تسلطی قرار نداده است». این آیه خود نشان‌دهنده ضرورت اقتصاد مقاومتی و توجه بیش از پیش به جایگاه و اهمیت موضوع دارد. بنابراین، احیا و به حرکت درآوردن تولید داخلی، روشنگری در زمینه ضرورت خودداری مردم از خریدهای خارجی که قدرت تولید داخلی را تضعیف می‌کند، مبارزه جدی با فساد، ویژه خواری و قاچاق، افزایش بهره‌وری انرژی که باعث صرفه‌جویی و عدم اسراف می‌شود و هم‌چنین ضرورت نگاه ویژه و حمایتی به صنایع متوسط و کوچک - که همه و همه در پیشنهادات اساسی مقام رهبری برای اقدام و عمل در زمینه اقتصاد مقاومتی بیان شده است - بدون فرهنگ‌سازی و حمایت فرهنگ و هنر و رسانه از آن، ابتر خواهد ماند. یکی از مواردی که در فقه مطرح است مبحث «قاعدۀ نفی سبیل» است. مفهوم قاعدۀ نفی سبیل این است که اسلام هیچ‌گونه راه نفوذ و تسلط کفار بر مسلمین را باز نگذاشته است و در هیچ شرایطی تسلط کفار

بر مسلمانان جایز نمی‌داند. مهم‌ترین دلیلی که برای اثبات این قاعده اشاره کردند: آیه ۱۴۱ سوره نساء است: «و لن يجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً». فقهاء از این قاعده استفاده کرده‌اند، که در سابقه تاریخی آن می‌توان به فتوای تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی و نفی قانون کاپیتولاسیون توسط امام خمینی (ره) اشاره کرد.

بر اساس این اصل حضرت امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله بیان می‌دارند: «اگر روابط تجاری با کفار موجب ترس بر حوزه اسلام شود ترک این روابط بر تمام مسلمانان واجب می‌شود. در اینجا فرقی میان استیلاء سیاسی یا فرهنگی و معنوی دشمن وجود ندارد. اگر روابط سیاسی که بین دولت‌های اسلامی و دول بیگانه بسته می‌شود و برقرار می‌گردد موجب تسلط کفار بر نفوس و بلاد و اموال مسلمانان شود یا باعث اسارت سیاسی این‌ها گردد، برقراری روابط حرام است و پیمان‌هایی که بسته می‌شود باطل است و بر همه مسلمین واجب است که زمامداران را راهنمایی کنند و وادارشان نمایند بر ترک روابط سیاسی این چنانی هر چند به‌وسیله مبارزه منفی باشد.» (امام خمینی (ره)، ج ۱، ص ۱۸۵).

این قاعده در «اقتصاد مقاومتی» بسیار نمود می‌کند. اگر به رفتارهای مان در عرصه اقتصادی دقت کنیم متوجه زیر پا گذاشتن این قاعده در موارد متعددی خواهیم شد. مثلاً کشور برای توسعه در عرصه خطوط هوایی، احساس نیاز می‌کند. در حال حاضر از سویی نمی‌توانیم هواپیما تولید کنیم و از سوی دیگر به سفرهای هوایی احتیاج دارید. بنابراین باید از کشورهای خارجی هواپیما وارد کرد. این حرف درستی است اما مهم‌تر از آن باید به این نکته توجه کرد که راه نفوذ دشمن را به هیچ قیمتی نباید به اقتصاد کشور بازکرد.

مورد بعدی را (سوره انفال آیه ۶۰) «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» مشخص کرده است.

طبق مبنای فقهی خود باید نسبت به آنچه که در معرض آسیب هستیم خود را تجهیز کنیم. هم‌چنان‌که در زمینه نظامی در شرایطی که جنگ نیز وجود ندارد باید خود را تجهیز کنیم و انواع موشک‌ها را داشته باشیم تا بتوانیم امنیت خود را تأمین کنیم. این آیه در مورد اقتصاد نیز صادق است؛ یعنی در زمینه اتکای به خویش، حتی اگر در نقطه ۸۰ نیز باشیم باید خود را به نقطه ۱۰۰ برسانیم. چون آیه می‌فرماید خود را همیشه در آن زمینه‌هایی که مورد تهدید هستید تجهیز کنید و این در زمینه اقتصاد مقاومتی معنا دارد؛ به‌عنوان نمونه اگر در زمینه فلان صنعت محاسبات مزیت نسبی می‌گوید که باید ۴۰ درصد آن داخلی باشد و ۶۰ درصد آن خارجی. شما باید این بهینه اقتصادی را بیست درصد جلوتر بیاورید. ممکن است ۶۰ درصد از تولید داخلی به صرفه اقتصادی نباشد ولی این حکم اسلامی را تأمین می‌کند.

در ماجرای قحطی دوران حضرت یوسف می‌خوانیم که یوسف به‌عنوان رهبر با درایت و دانایی و با برنامه‌ریزی حساب شده و راهنمایی خود برای آینده تاریکی که در پیش داشتند، توانست خطر و مشکل قحطی را کاهش دهد (سوره یوسف، ۴۹-۴۷) در حقیقت یوسف برای آینده یک کشور برنامه‌ریزی و یک طرح چند ماده‌ای حداقل

پانزده ساله به آنها ارائه داد و با راهنمایی و طراحی برای آینده آن سرزمین، توانست مردم آن را از قحطی کشنده، نجات دهد (مکارم شیرازی، نمونه، ج ۹، ص ۴۲۸).

آیه ۵۱ سوره مائده نیز در این زمینه به ما هشدار می‌دهد که از یهود و نصاری دوست نگیرید زیرا آنها به فکر تسلیم کردن شما هستند و البته منظور در این عصر آن است که نباید به کشورهای غربی به دید یک دوست امین نگاه شود زیرا دشمنی آنها از گذشته برای ما ثابت شده است. آیه یک سوره ممتحنه نیز از دیگر آیات مرتبط با اقتصاد مقاومتی است؛ اگر کشوری به جایی برسد که وامدار دیگران نباشد باید از درون اقتصاد مقاومتی را ایجاد کند؛ نباید یک کشور اسلامی به وضعی برسد که کیفیت اقتصاد این کشور را قیمت دلار تعیین کند.

در آیات دیگر خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ: یعنی سستی نکنید و از پیش درآمدها و حوادث و سختی‌هایی که به شما می‌رسد اندوهگین مشوید که اگر مومن باشید برترید» (آل عمران، ۱۳۹)، در این آیه خداوند قطع وابستگی اقتصادی به بیگانگان و مقاوم بودن در برابر آنان را مورد تشویق قرار داده است. یا در آیه ۶۰ الانفال «أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ...» که این آیه از قرآن تأکید دارد که هر چه می‌توانید خود را افزایش دهید و زمینه‌های استعداد و مقاومت را در جامعه اسلامی فراهم کنید، این آیه سرلوحه اقتصادی مقاومتی در به‌کارگیری حداکثری منابع فکری، انسانی و اجتماعی است (نیک ملکی، ۱۳۹۳، ص ۳۲).

اقتصاد مقاومتی محصول اقتصاد اسلامی

مقاومت، عمل یا عکس‌العمل مناسب مقابله در شرایط بروز ناملازمات و حوادث و بحران و یا تحمل سختی‌ها و استقامت در مسیر رسیدن به اهداف است. اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که در شرایط بروز ناملازمات و حوادث و بحران‌ها و یا در مسیر اهداف، پویا و پایدار تخصیص بهینه منابع بدهد. وقتی بحث از اقتصاد مقاومتی می‌کنیم، تصور ما از اقتصاد، نوعی از اقتصاد است که ریشه در جهان‌بینی توحیدی دارد و مقوله‌های مادی معیشت و معنویت را در یک تفسیر و یک الگوی خاص دنبال می‌کند. با توجه به آنچه که در مباحث قبل گذشت می‌توان گفت که اقتصاد اسلامی لزوماً مقاومتی هم هست. زیرا از طرفی اقتصاد در یک نظام اسلامی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علم اقتصاد و مکتب اقتصادی را توأم دارد. علم اقتصاد حاصل مطالعات بشر و نیز تجربیات او در طول تاریخ است که تاریخ شامل حوادث و بحران‌ها هم بوده است. علم اقتصاد با تغییر شرایط به‌خصوص در شرایط بحران‌ها و شاید قابلیت انعطاف دارد. و با تغییر الگوها و سیاست‌ها و... می‌تواند در مقابل بحران‌ها و حوادث و مشکلات اقتصادی تغییر روش داده و اصلاح برنامه کند و یا برنامه‌ریزی جدید نماید. در خود «علم اقتصاد» و «برنامه‌ریزی اقتصادی» مفهوم و عمل مقاومت به معنی بهینه‌یابی در هر شرایطی نهفته است. بخشی از این قابلیت انعطاف را گاهی «فزیت اقتصادی» گفته‌اند (سیف: ۱۳۹۱ و Ficenec: 2010 و McInroyand Longlands: 2010). به این معنی که در اقتصادها این قابلیت وجود دارد تا آسیب‌های وارده بر اقتصاد ناشی از شوک‌ها را ترمیم و تا حدودی به حالت قبل برگرداند. حتی برخی این قابلیت را مورد سنجش قرار داده و اندازه‌گیری کرده‌اند (Briguglio et al, 2008). بخشی از این قابلیت و ظرفیت هم به اقدام و عمل برنامه‌ریزان و مدیران مربوط می‌شود که با برنامه‌ریزی و اصلاحات مداوم در آنها، می‌توانند آثار شرایط خاص را تعدیل نمایند. از طرفی هم نظام اقتصاد اسلامی مبتنی بر

مکتب اقتصادی است که خود برگرفته از مکتب الهی و ویژگی‌های آن است که مقاومت و استقامت برای دستیابی به اهداف به‌ویژه در شداید و بحران‌ها از دستورات و توصیه‌های موکد مکتبی است. گفته شد که در مکتب اقتصادی اسلام، فلسفه هست، فلسفه خلقت تا فلسفه حیات و آخرت... در مکتب اخلاق هم هست، سیاست، فقه، فرهنگ هست، و در یک کلام این‌که دین به‌عنوان برنامه زندگی (از جمله صبر و مقاومت) از جانب خداوند است (رضوی، ۱۳۷۹).

کسی که فلسفه حیات را بداند و بپرسد که «ز کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود» و اعتقاد داشته باشد که «انالله و انالیه راجعون»، و بالاخره کسی که دستورات زندگی خود را از منابع وحیانی بگیرد، انسان مکتبی است. مکتب الهی انسان در جهت خدا می‌سازد. انسان تکلیف‌گرا می‌سازد. این مسئله خاص اقتصاد هم نیست انسان مکتبی در تمام جوانب زندگی خویش برای رضای خدا عمل می‌کند. حال اگر این انسان به ابزار تکنیک و صنعت هم دست یافت و بهره‌گرفت، آن را در جهت اهداف مکتبی خویش به‌کار خواهد گرفت. علم اقتصاد یکی از این ابزارهاست. انسان الهی موظف است دنبال ابزارها برود. این انسان دیگر مأمور به نتیجه نیست بلکه مأمور به وظیفه و تکلیف است. البته برکات خداوند بر عمل صالحان (اگر به صلاحشان باشد) نازل می‌شود که این‌که ناسپاسی و طغیان و معصیت هم برکت را می‌زداید. اگرچه واژه اقتصاد مقاومتی اصطلاح جدید و دارای یک بار ارزشی در فرهنگ دینی است، لیکن مفاهیم در این زمینه و اعمال و اقداماتی برای مقاومت در حوزه‌های گوناگون به‌ویژه در حوزه اقتصاد در دنیا بی سابقه نیست. در ادبیات اقتصادی مفاهیمی مثل «اقتصاد مقاومت» و یا «قدرت اقتصادی»، فراوان وجود دارد. از طرفی هم تمام کشورهای که به نوعی جنگ و یا بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را تجربه کرده‌اند و یا برای توسعه سریع اقدام کرده‌اند، برای عبور از شرایط سخت، اقتصاد خود را بر مبنای مقاومت برنامه‌ریزی کرده‌اند. برنامه‌ریزی اقتصادی دوران جنگ آلمان، روسیه، انگلستان، ژاپن و... در دوران جنگ‌های جهانی اول و دوم اقتصادهای مقاومتی بوده است. در دوران جنگ تحمیلی هشت ساله عراق بر علیه جمهوری اسلامی ایران، با تمام اشکالات موجود و عدم درگیری کل توانمندی‌های اقتصادی و غیراقتصادی، اولویت‌بندی‌های برنامه‌های اقتصادی جمهوری اسلامی برای مقاومت تنظیم می‌شد. بنابراین تفاوت اقتصاد مقاومتی در کشورهای مختلف در تفاوت شکل مقاومت در مکتب‌ها و فرهنگ‌ها و تفاوت اهداف آنهاست. اقتصاد مادی‌نگر فقط با ابزارهای اقتصادی و تدابیری نظیر تغییر اولویت‌های اقتصادی برنامه مقاومت را طراحی می‌کند. در مکاتب الهی و توحیدی در کنار استفاده از ابزارهای علمی برنامه‌ریزی اقتصادی، استفاده از ظرفیت‌های اعتقادی و ارزشی، نواقص برنامه‌ریزی‌های تخصصی را پوشش می‌دهند (خلیلیان، ۱۳۸۴).

الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی

گفته شد که اقتصاد مقاومتی محصول اقتصاد اسلامی است. اگر اقتصادی اسلامی باشد لزوماً قابلیت‌ها و ویژگی‌های یک اقتصاد مقاومتی را در خود خواهد داشت. یک نظام اقتصاد اسلامی نظامی علمی و مکتبی است که باید براساس این دو پایه نهادسازی نماید. شکل‌گیری چنین اقتصادی الزاماتی هم دارد که به برخی از ویژگی‌های لازم برای تحقق اقتصادی اسلامی و به تبع آن مقاومتی در زیر اشاره می‌شود (رحیمی، ۱۳۶۸).

اقتصاد علم است و باید علمی اداره شود

منظور، علم و شیوه‌های اجرایی بومی شده‌ای است که متناسب با ویژگی‌های اقتصاد ملی باشد. چه عمل صالحی بهتر از عمل عالمانه است. اقتصاد یک کشور برنامه‌ریزی اقتصادی علمی لازم دارد و این نوع برنامه‌ریزی هم اولویت‌بندی نیاز دارد. حضرت یوسف پیامبر (ع) به حاکم مصر گفت: «مرا بر اداره خزانة کشور بگمار، چرا که من امین و عالم این کار هستم». بنابراین اقتصاد یک کشور در کنار مسئولین درستکار و امین، عالم و کارشناس متخصص نیاز دارد تا در قالب برنامه‌های کلان و ملی به تخصیص بهینه منابع در چارچوب قوانین و ضوابط نظام اسلامی برای تولید، توزیع و مصرف اقدام کنند. یک برنامه جامع اقتصادی، منابع و نیازها را به هم ربط می‌دهد، تکلیف منابع و عاملان اقتصادی و وظیفه نهادهای اجتماعی (دولت، مردم، شرکت‌ها و...) را معلوم می‌کند. یک برنامه مصوب، قانون است و اجرا و نظارت و کنترل (احتمالاً اصلاح در عمل) و پاسخ‌گویی لازم دارد (حریری، ۱۳۸۲).

حوزه عمل اقتصاد دستوری و اقتصاد اثباتی

علم به‌عنوان ابزار وظیفه‌ای دارد و مکتب حوزه عمل دیگری دارد که بر علم هم احاطه دارد. ارزش‌ها، آداب و رسوم و سنت‌ها در حوزه اقتصاد دستوری است. تمام نظام‌ها در حوزه قلمرو علم اقتصاد (تولید، توزیع و مصرف) یکسانند و تفاوتی ندارند. اقتصاد مقاومتی از این حیث که دارای روح ارزشی است و آن هم برگرفته از غایت‌مداری مکتبی است، حتماً فراتر از «اقتصاد ریاضتی» است. اما برخلاف آنچه که بعضاً اصرار می‌شود که این دو مفهوم کاملاً متفاوت‌اند، اقتصاد ریاضتی بخشی از اقتصاد مقاومتی و لازمه آن است که منطق و علم اقتصاد به آن توصیه می‌کنند. مقاومت حاکی از یک شرایط سخت و غیرعادی است که یا به‌دلیل کمبودها - به هر دلیل - و یا تصمیم برای توسعه ملی، پیش روی یک جامعه است. در چنین شرایطی جامعه نمی‌تواند در مصرف و تخصیص منابع دست و دل بازانه عمل کند. و لذا در این شرایط ریاضت اجتناب‌ناپذیر است (حاجی، ۱۳۹۲).

بحران‌ها به حداقل ممکن تقلیل داده شوند

گفته شد که مقاومت و اقتصاد مقاومتی اغلب مربوط به شرایط غیرعادی و بحران است. برای مقابله با یک بحران باید ابتدا تا جایی که ممکن است از بروز آن جلوگیری کرد و با پیش‌بینی‌هایی از شدت آن کاست. اگر بحران و فشارهای آن به حداقل ممکن برسد مقاومت در برابر آن با کم‌ترین هزینه صورت می‌گیرد. مسئله مقاومت و تصمیم برای مقاومت یک امر صرفاً اقتصادی نیست ولی از یک طرف تبعات اقتصادی دارد و از طرفی هم اقتصاد هزینه‌های مقاومت را اندازه‌گیری می‌کند تا تصمیم‌گیران براساس اطلاعات درست و یک تحلیل هزینه - فایده علمی اولاً هزینه‌های تصمیم‌گیری را بدانند و ثانیاً کم‌هزینه‌ترین راه ممکن برای مقاومت را برگزینند (جعفری، ۱۳۸۰).

توجه به تولید ملی پایدار

تولید ملی مهم‌ترین شاخص و متغیر در هر اقتصاد ملی است. اگر چه عوامل دیگری مثل توزیع عادلانه تولید و درآمد حاصل از آن در جامعه در کنار متغیرهای دیگری ملاک توسعه یک کشور محسوب می‌شوند، اما تولید ملی رکن اصلی و ستون فقرات یک اقتصاد است. تولید پویا نه تنها نیازهای جامعه را به کالاهای و خدمات برآورده می‌کند، بلکه اساس اقتدار و پایداری یک ملت محسوب می‌شود. تولید فعال در یک کشور می‌تواند بسیاری از

معضلات اقتصادی و اجتماعی و حتی سیاسی در جامعه را کنترل کند. بیکاری و تورم در یک جامعه که باعث و علت بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی هستند، خود می‌توانند معلول ضعف و ناکارآمدی تولید ملی باشند. تولید ملی به‌عنوان اساس و پایه مقاومت یک ملت است. ملتی می‌تواند در مقابل ناملایمات و بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داخلی و خارجی مقاومت کند که بتواند نیازهای مصرفی خانوارها و مواد اولیه و واسطه‌ای تولید را برآورده کند. البته تولید ملی و اقتصاد خوب و کارآمد لزوماً به معنی خودکفایی کامل در تمام زمینه‌های اقتصادی نیست. چه بسا بسیاری از تولیدات غیراقتصادی و فاقد مزیت‌های لازم باشند. اقتصادی کارآمد است که ضمن برنامه‌ریزی و اقدام برای تولید نیازهای اولیه و اساسی و راهبردی جامعه، با بازاریابی‌های مناسب به تولید بیش‌تر کالاها و خدماتی برای صادرات اقدام نماید تا از محل درآمدهای آن بتواند کالاهایی را وارد نماید که در تولید آنها مزیت لازم را ندارد. هوشیاری و درایت در برنامه‌ریزی‌ها ایجاب می‌کند که خطوط تولید به‌ویژه در محصولاتی که از خارج وارد می‌شوند، به‌گونه‌ای دیده شوند، که در شرایط لازم برای تولید نیازهای داخلی قابلیت تبدیل و باز تبدیل داشته باشند (توتونچیان، ۱۳۵۷).

هم اقتصاد و هم مقاومت باید مردمی باشند

اقتصاد دولتی کارآمدی زیادی ندارد. اگرچه برنامه‌ریزی، هدایت و نظارت دولتی بر اقتصاد اجتناب‌ناپذیر است. مردم زمانی وارد عرصه اقتصاد سالم می‌شوند که شرایط لازم فراهم و الزات آن رعایت شده باشد. در رفتارهای عرفی افراد بهینه کردن مصرف در جهت حداکثر سازی مطلوبیت و رفاه خویش را دنبال می‌کنند. در سمت تولید نیز فعالان اقتصادی برای افزایش تولید و کاهش هزینه‌ها و مآلاً برای کسب سود بیش‌تر تلاش می‌کنند. اقتصاد ملی زمانی می‌تواند به توفیقاتی دست یابد که مورد قبول و حمایت آحاد جامعه قرار گرفته باشد. این اتفاق هم زمانی روی خواهد داد که مردم اقتصاد ملی را در جهت منافع و لاقدرت در جهت کاهش مشکلات خویش ارزیابی کنند. لازمه این دو حالت وضعیتی است که مردم در اقتصاد به‌طور مؤثر ایفای نقش کنند. این شرایط حداقل شرایط لازم در جهت ایجاد انگیزه برای مقاومت در برابر ناملایمات و سختی‌هاست. تعلق خاطر و احساس منافع در کنار ایمان قوی می‌تواند بزرگ‌ترین عامل مقاومت در برابر بحران‌ها و حمایت از اقتصاد ملی به‌عنوان ابزاری برای مقاومت ملی باشد. ثبات قوانین، حقوق مالکیت، وجود قوانین شفاف، اجرای عدالت در توزیع امکانات اقتصادی، سیاست‌گذاری‌های مناسب و... مشارکت مردم در اقتصاد را تقویت می‌کند. درستی راه سبب مقبولیت آن است و مقبولیت و ایمان به درستی راه هم لازمه مقاومت و پایداری در شرایط بحران‌هاست. به هر حال افراد وقتی منافع خود را از مسیر منافع ملی ببینند تک‌روی نمی‌کنند و یکپارچه برای اداره اقتصاد ملی همت می‌گمارند (پیغامی، ۱۳۹۴).

مقاومت کار فرهنگی لازم دارد

فرهنگی بسیار غنی برای ایجاد انگیزه مقاومت در اسلام وجود دارد. در نظام اقتصاد اسلامی و به‌ویژه در نظام اقتصادی اسلام، مکتب و اندیشه‌های مکتبی پایه و اساس رفتارهای اقتصادی و برنامه‌ریزی‌ها در حیطه اقتصاد است. قلمرو و جولانگاه علم اقتصاد و کاربردهای آن نیز در حیطه مکتب اقتصادی برگرفته از فلسفه اقتصادی و فلسفه حیات و آفرینش است. در فرهنگ اسلامی اقتصاد هدف نیست ولی اقتصاد وسیله و ابزاری ضروری برای بقا و

ادامه حیات دنیوی است. انسان باید زنده باشد و نیازهایش تأمین شده باشد تا به سوی هدف متعالی اطاعت پروردگار خویش برود. انسان باید زنده باشد و زندگی کند تا مقاومتی مطرح باشد. برای یک جامعه فقیر و ضعیف در حال نابودی مقاومت مفهوم واقعی خود را از دست می‌دهد. به هر حال کار فرهنگی انسانی می‌سازد که در تمامی ابعاد «مقاومت» تکلیف او می‌شود. این موضوع صرفاً مسئله اقتصادی هم نیست. کار فرهنگی به معنی یادآوری تکلیف و انجام وظیفه است. انسان وظیفه‌گرا در جنگ، دفاع، و در تمام شداید و سختی‌ها از جمله در بحران‌های اقتصادی و کمبودها و نیازمندی‌های ملی مثل رشد و توسعه اقتصادی هم مقاومت می‌کند و امیدوارانه و صبورانه تلاش می‌کند. در مکتب اسلام انگیزه‌های زیادی برای ساختن انسان‌های مقاوم وجود دارد. این‌که دنیا مزرعه آخرت است، حیات واقعی و ابدی در جهان آخرت است و بالاخره جلب رضایت خدای متعال به عنوان بزرگ‌ترین پاداش بندگی و صبر و پایداری است، همگی می‌توانند محرک‌های واقعی به سمت مقاومت باشند. نظام آموزشی در کشور می‌تواند مهم‌ترین مسیر فرهنگ‌سازی باشد. کارکرد نظام آموزشی آن است که کودکان و نوجوانان و جوانان یک کشور را متناسب با شرایط و نیازهای هر برهه تربیت کند. البته وقتی مقاومت مثل سایر اعمال عبادت تلقی می‌شود و نتیجه می‌دهد که راه در ست باشد و درستی آن به باور افراد و اکثریت جامعه تبدیل شده باشد (بافکار، ۱۳۹۰).

قواعد فقهی مؤثر در شفافیت اقتصادی

در مباحث فقهی قواعدی وجود دارند که از طریق آنها می‌توان نتیجه گرفت اسلام به دنبال شفافیت اقتصادی در معاملات است.

قاعده نفی غرر

فقها غرر را به جهالت، ابهام یا عدم اطمینان در ارکان معامله یا عناصر قرارداد تعریف کرده‌اند. بر اساس این قاعده چنان که عدم شفافیت و ابهام در قراردادی سبب خطری برای طرفین معامله شود، معامله غرری بوده و مورد پذیرش نخواهد بود (عزیزان، ۱۳۹۰).

قاعده لاضرر

مضمون قاعده لاضرر نفی مشروعیت هر گونه ضرر و اضرار در اسلام است. در پدیده عدم شفافیت اقتصادی که افراد در معاملات اطلاعات بیش‌تری نسبت به طرف مقابل دارند از آن سوء استفاده کرده و به طرف دیگر ضرر می‌رسانند تا از طریق آن سود کسب کنند لذا طبق قاعده ذکر شده این پدیده در اسلام جایگاهی ندارد (اختری، ۱۳۹۲).

قاعده اکل مال به باطل

منظور از اکل هر آنچه در آن تصرف کرده یا مصرف می‌کند است و منظور از باطل نیز امور و رفتارهایی است که بر مبنای عرف، پایه و اساس ندارد. این قاعده از جمله قاعده‌های گسترده و اثرگذار در معامله‌هاست که به‌عنوان قاعده فقهی در تمام ابواب جریان دارد. بنابراین معاملات نباید با سبب باطل انجام شود و هیچ‌کس نباید به‌طور ظالمانه مالک اموال دیگران شود. پس اگر در معامله‌ای به دلیل عدم شفافیت و تقارن اطلاعات یکی از طرفین بر مال دیگری تملک پیدا کند مشمول اکل مال به باطل شده است (آذر نوش، ۱۳۸۶).

قاعده وجوب اعلام الجاهل فیما یعطی

بر اساس این قاعده اگر کسی چیزی را که دارای خطر است به دیگری که ناآگاه از آن است بدهد باید او را از آن خطر آگاه کند. از این قاعده به‌صورت وسیع‌تری در معاملات و شفافیت اقتصادی می‌توان بهره برد. به عبارت دیگر اگر در کالایی عیب و نقصی وجود داشته باشد که عدم اطلاع خریدار از آن ممکن است برای او خطراتی به همراه داشته باشد بیان عیب و نقص آن کالا وجوب پیدا می‌کند (اختری، ۱۳۹۲).

مراد از قاعده غرور این است که هرگاه غرامتی که در اثر غفلت و جهل شخص به واقع به سبب شخص دیگری برسد همان شخص فریب دهنده ضامن است و معامله در برخی موارد باطل است. از جمله مواردی که می‌توان از این قاعده در شفافیت اقتصادی بهره برد این است که می‌توان تبلیغات اغواگرانه ر سانه‌ها مانند تلویزیون، رادیو و روزنامه‌ها را در صورتی که موجب خسارت باشد، مصداق قاعده غرور دانست و چنانچه شخص، مؤسسه و یا کارخانه و همانند این‌ها با به‌کارگیری نام و یا نشان دیگران که از ارزش و معروفیت برخوردار است، سبب گردد مشتری فریب بخورد و آن کالا را بخرد این عمل موجب ضمان صاحب کالا نسبت به خسارت وارده بر مشتری می‌گردد (اسحاقی، ۱۳۹۰).

بنابراین تفاوت اقتصاد مقاومتی در کشورهای مختلف در تفاوت شکل مقاومت در مکتب‌ها و فرهنگ‌ها و تفاوت اهداف آنهاست. اقتصاد مادی‌نگر فقط با ابزارهای اقتصادی و تدابیری نظیر تغییر اولویت‌های اقتصادی برنامه مقاومت را طراحی می‌کند. در مکاتب الهی و توحیدی در کنار استفاده از ابزارهای علمی برنامه‌ریزی اقتصادی، استفاده از ظرفیت‌های اعتقادی و ارزشی، نواقص برنامه‌ریزی‌های تخصصی را پوشش می‌دهند.

اقتصاد مقاومتی راهبردی است که به اذعان کارشناسان مختلف اقتصادی، کم‌تر کشوری را در جهان می‌توان یافت عملاً به آن پایبند نباشد. معنای اقتصاد مقاومتی به زبان ساده یعنی حمایت از تولید و کار داخل و کمک به آن تا در رقابت با سایر تولیدات مشابه خارجی، بهترین باشد. حتی کشورهایی که ادعای اعتقاد به اصول سرمایه‌داری دارند نیز با راهکارهای گوناگون به پیشرفت تولیدات ملی خود کمک می‌کنند. یکی از ظرفیت‌های منحصر به فرد نظام جمهوری اسلامی که کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است، نقش فقه و حقوق و جایگاه اقتصاد اسلامی در تحقق اقتصاد مقاومتی است. در دین اسلام مباحث مختلفی مطرح می‌شود که یکی از مهم‌ترین راهبردهای اساسی آن، مسائل اقتصادی است که جایگاه ویژه‌ای در بین موضوعات دارد و نشان‌دهنده اهمیت دادن دین اسلام به کار و کسب و تأمین درآمدهای حلال اقتصادی است. کار و تلاش در جهت آبادانی و پیشرفت جامعه، در رفتار احاد جامعه تجلی پیدا می‌کند و این نکته از منظر دین شکل‌دهنده نظام اقتصادی جامعه دینی است. اقتصاد از ستون‌های مهم توسعه در یک جامعه است که می‌تواند زمینه را برای رشد و پیشرفت در سایر حوزه‌ها فراهم نماید و موجب بهبود وضعیت جامعه گردد. نظام اسلامی با تکیه بر ارزش‌های دینی تشکیل شده است و به دنبال اقامه ارزش‌های الهی و اسلامی در جامعه است و لذا بر این اساس، باید دارای اقتصاد مقاومتی باشد تا در رویارویی با مشکلات دچار تلاطم نشود و متزلزل نگردد. محتاج هرکه شوی، اسیر او خواهی بود. بی‌نیاز از هرکه گردی، با او برابر خواهی شد و هرکه را مورد نیکی و احسان خود قرار دهی، فرمانروای او خواهی شد. اگر ملتی کمک خواست و ملتی دیگر کمک داد، خواه ناخواه اولی برده و دومی آقا است. چقدر جهالت و حماقت است که آدمی ارزش سلامت بنیة اقتصادی را در نیابد و نفهمد اقتصاد مستقل یکی از شرایط حیات ملی است. براساس آیات قرآنی، داشتن اقتصاد مقاومتی همانند اقتصاد قوام‌بخش، ضروری و لازم جامعه اسلامی است. جامعه اسلامی نه تنها باید دارای اقتصادی سالم و شکوفا و قوام‌بخش باشد، بلکه باید دارای اقتصاد مقاومتی باشد که آن را از دشمنان حفظ کرده و اجازه ندهد تا جامعه در برابر دشمنان خوار شود. قرآن بر ضرورت اقتصاد مقاومتی به اشکال گوناگون تأکید کرده است. از جمله مهم‌ترین آیاتی که می‌تواند این وجوب و ضرورت را بیان کند، آیه ۲۸ سوره توبه است. خداوند در این آیه نه تنها نیازمندی اقتصادی جامعه اسلامی را عامل وابستگی جامعه و ذلت و خواری آن می‌داند، بلکه قطع وابستگی اقتصادی به بیگانگان را مورد تشویق قرار داده و نسبت به کسانی که نگران اختلال نظام اقتصادی خود پس از قطع رابطه با مشرکان و دشمنان هستند، یادآور می‌شود که چنین امری نه تنها اختلالی به وجود نمی‌آورد، بلکه باعث رونق اقتصادی و شکوفایی آن شده و رشد و پیشرفت اقتصاد ملی را سبب خواهد شد. از آیه ۲۸ سوره توبه این اصل استفاده می‌شود که یکی از راه‌های رسیدن به خودکفایی، عدم وابستگی اقتصادی به بیگانگان و تکیه بر محصولات داخلی است. خداوند می‌فرماید که اگر جامعه اسلامی از وابستگی

اقتصادی به بیگانگان به‌ویژه دشمنان رها شود و به تولیدات و محصولات داخلی تکیه کند، خداوند به فضل خویش جامعه اسلامی را به حدی از خودکفایی و استقلال اقتصادی می‌رساند که هیچ نیازی به بیگانه و تولیدات بیگانگان نداشته باشد و سربار دیگران نشود. خداوند می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا انما المشرکون نجس فلا یقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا و ان خفتم عیله فسوف یغنیکم الله من فضله ان شاء ان الله علیم حکیم: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، حقیقت این است که مشرکان ناپاک‌اند، پس نباید از سال آینده به مسجدالحرام نزدیک شوند و اگر در این قطع رابطه از فقر بیم‌ناکید، به‌زودی خدا (اگر بخواهد) شما را با فضل خویش بی‌نیاز می‌گرداند، که خدا دانای حکیم است. وقتی به این آیه نگاه می‌شود، نگرانی برخی از دولت‌مردان امروز معنای جالبی می‌یابد. در حقیقت برخی از دولت‌مردان امروز نگران آن هستند که عدم آمد و شد غربی‌ها، که دشمنان قسم‌خورده کشور هستند، می‌تواند موجب فقر اقتصادی جامعه اسلامی شود و مردم از نظر اقتصادی با مشکل مواجه شوند. درحالی‌که آیه شریفه می‌فرماید پیش از آن‌که دشمنان شما تهدید به تحریم کنند یا شما را تحریم نمایند، شما پیشگام شوید و آنان را تحریم کنید تا با خوداتکایی و توکل به خداوند از فضل الهی بهره‌مند شوید. بی‌گمان خداوند به همه ریز و درشت زندگی شما عالم است و حکیمانه و خردمندانه حکم می‌کند و به شما دستور می‌دهد و این‌گونه هدف‌های متعالی شما، که همان غنای اقتصادی و استقلال است، فراهم می‌آید.

- ۱- ایروانی، جواد، آشنایی با اقتصاد اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۹۱ ش.
- ۲- اسحاقی، سیدحسین، مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی، انتشارات نشر هاجر، ۱۳۹۰ ش.
- ۳- آقا نظری، حسن، نظریه پردازی اقتصادی اسلامی، تهران، سازمان سمت، ۱۳۸۸ ش.
- ۴- اختری، عباسعلی، اقتصاد مقاومتی، زمینه‌ها، راهکارها، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۲ ش.
- ۵- آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر، عربی/ فارسی، تهران، نشر نی، هشتم، ۱۳۸۶ ش.
- ۶- عزیزان، مهدی، الزامات اقتصادی ویژه و شگرد، تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت، سال ۱۳۹۰ ش.
- ۷- بافکار، حسین، نقش و کارکرد خانواده در تهاجم اقتصادی، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، اول، ۱۳۹۰.
- ۸- پیغامی، عادل، درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی، انتشارات دانشگاه امام صادق، تهران، ۱۳۹۴ ش.
- ۹- توتونچیان، ایرج، اقتصاد پول و بانکداری، مؤسسه تحقیقاتی پولی و بانکی، اول، تهران، ۱۳۵۷ ش.
- ۱۰- جعفری زنجانی، فیاض الدین، زنجانی، محمد حسین ذخائر الامامه فی الخمس، اول، نشر آل عبا، قم، ۱۳۸۰ ش.
- ۱۱- حاجی، جعفر عباس، مکتب اقتصاد اسلامی، مترجمان سیدکاظم رجایی، محمد مهدی کرمی، قم، مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی، سال ۱۳۹۱ ش.
- ۱۲- حریری، محمدیوسف، اسلام و اقتصاد، مرکز مطبوعاتی دارالتبلیغ اسلامی، قم، ۱۳۸۲ ش.
- ۱۳- حکیمی، محمد، پدیده شناسی فقر و توسعه، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان، قم، بوستان کتاب، اول، ۱۳۸۰.
- ۱۴- حسین هرندی، سید محمد حسین، نتایج دستاوردهای جهاد اقتصادی، قم، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، ۱۳۹۲ ش.
- ۱۵- خوانساری، جمال الدین، شرح غررالحکم و درر الکلم، دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۶ ش.
- ۱۶- خلیلیان، محمدجمال، شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۴ ش.
- ۱۷- رحیمی اصفهانی، غلام حسین، اخلاق اسلامی، قم، بی نا، ۱۳۶۸ ش.
- ۱۸- رضوی، مسعود، روشنفکران، احزاب و منافع ملی، نشر و پژوهش فروزان روز، ۱۳۷۹ ش.
- ۱۹- رزمی، سیداکبر، مقدمه‌ای بر نظام‌های اقتصادی، انتشارات نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷ ش.
- ۲۰- زنجانی، عباس علی، فقه سیاسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، چهارم، ۱۴۲۱ هـ. ق.
- ۲۱- سازمان برنامه و بودجه، گزارش سازمان همکاری اقتصادی توسعه سال ۲۰۰، مرکز انتشارات مدارک اقتصادی، اجتماعی، ۱۳۷۸ ش.
- ۲۲- شفائی، حسین، اسلام و حکومت، انتشارات اسلامی، اول، قم، ۱۳۶۷ ش.

- ۲۳- صدر، سیدکاظم، اقتصاد صدر اسلام، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴ ش.
- ۲۴- صدر، موسی، اسلام و مشکل اختلاف طبقاتی، انتشارات محمد، قم، ۱۳۸۰ ش. ۳۱- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۹ ش.
- ۲۵- عبدالملکی، حجت‌الله، اقتصاد مقاومتی درآمدی بر مبانی سیاست‌ها و برنامه‌ها، عمل، انتشارات بسیج دانشجویی، دانشگاه امام صادق (ع)، سال ۱۳۹۴ ش.
- ۲۶- فرید تنکابنی، مرتضی، نهج الفصاحه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، دوازدهم، ۱۳۸۳ ش.
- ۲۷- فراهانی فرد، سعید، سیاست‌های اقتصادی در اسلام، پژوهش فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱ ش.
- ۲۸- فاضل لنگرانی، محمد، آیین‌کشورداری از دیدگاه امام علی (ع)، انتشارات فرهنگ اسلامی، دوم، تهران ۱۳۶۸ ش.
- ۲۹- کرمی، محمدمهدی و محمد پورمند، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، پژوهش‌شکده حوزه و دانشگاه تهران، ۱۳۸۰ ش.
- ۳۰- عربی، سیدهادی و سیداسحاق علوی، کلیات علم اقتصاد، انتشارات فرهنگ اسلامی، دوم، تهران ۱۳۶۸ ش.
- ۳۱- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳، ش.
- ۳۲- مطهری، مرتضی، نظری به نظام اقتصادی اسلام، انتشارات صدرا، سال ۱۳۶۴ ش.
- ۳۳- موسویان، عباس، بانکداری اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
- ۳۴- معین، محمد، فرهنگ معین، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۸ ش.
- ۳۵- اسدی، سیدحسین، نظام اقتصادی اسلام، انتشارات کانون جوان، چاپ دوم، ۱۳۸۸ ش.